

۸ سال پس از برجام، درختی که میوه نداد

# برگ‌های توافق خوب ریخت



«امروز یک روز تاریخی است. برای ما افتخار بزرگی است که اعلام کنیم به یک توافق در موضوع برنامه هسته‌ای ایران دست یافته‌ایم.» از روز ۲۳ تیر ماه سال ۹۴ که ظریف بیانه مشترک ایران و ۵+۱ را قرائت کرد و مشخصا از به نتیجه رسیدن توافقی تحت عنوان برجام خبر داد، تا امروز اجرایی شدن برنامه جامع اقدام مشترک، پیچ و خم‌های زیادی به خود دیده است. علی‌رغم اینکه ایران تمام تعهدات خود در برجام را اجرایی کرده بود، آمریکا در سال ۱۳۹۷ با فرمان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا زیر میز توافق زد و از آن خارج شد و تحریم‌های ثانویه آمریکا بعد از خروج این کشور از برجام دوباره بازگشتند. اروپایی‌ها نیز اگرچه ظاهراً از برجام حمایت می‌کردند اما در عمل حاضر نبودند، تحریم‌های آمریکا را دور بزنند. بعد از این اقدام آمریکا و اعمال فشارهای گسترده ناشی از تحریم بر ایران، شورای عالی امنیت ملی، برای کاهش تعهدات فرابرجامی ایران، به صورت گام به گام تصمیماتی را اتخاذ کرد. آمریکایی‌ها در اوایل سال ۱۴۰۰ مجدد گفت‌وگوها برای بازگشت به برجام را آغاز کردند. ایران البته این بار همه توان و تمرکزش را روی حصول توافق با غرب متمرکز نکرد و تیم دیپلماسی جدید، از همان ابتدای کار سیاست گسترش روابط با نقاط مختلف جهان از جمله کشورهای همسایه را در دستور کار قرار داد. این امر ضمن جلوگیری از قرار گرفتن ایران در موضع ضعف، جایگاه ایران در منطقه را نیز بهبود بخشید. آغاز گفت‌وگوها از سال ۱۴۰۰ تا کنون بالا و پایین‌های زیادی به همراه داشته است. ایران و آمریکا اگرچه در تابستان سال ۱۴۰۱ تا آستانه به نتیجه رسیدن یک توافق رفتند اما غربی‌ها با محاسبات غلط، همزمان با آغاز ناآرامی خیابان‌های ایران ۱۴۰۱ زیر میز توافق زدند. رد و بدل کردن پیام‌ها با واسطه و تمایل برای ادامه مذاکرات بعد از گذر از ناآرامی‌ها دوباره شروع شد و تا امروز اگرچه گمانه‌زنی‌هایی درباره به نتیجه رسیدن یک توافق مطرح می‌شود اما برخی از کارشناسان معتقدند غربی‌ها حاضر به پذیرش برجام نیستند و از یک توافق موقت صحبت به میان می‌آورند. بعد از گذشت ۸ سال از امضای توافق برجام، به بهانه سالروز امضای این توافق، مروری خواهیم داشت بر آنچه از امضای این توافق تا امروز رخ داده است و مسیری که پیش‌روی ایران قرار دارد.

## ۵ مکافات بدعهدی غرب بعد از امضای برجام

بعد از اعلام رسمی به نتیجه رسیدن مذاکرات ایران و ۵+۱ و تصویب جزئیات برجام در صحن علنی مجلس در ۲۱ مهر همان سال، رهبرانقلاب نیز در ۲۹ مهر ماه در نامه‌ای به رئیس‌جمهور، با ارائه شروط نه‌گانه‌ای ضمن تاکید براین نکته که «هر اظهارنظری مبنی بر باقی ماندن ساختار تحریم‌ها و وضع هر تحریم در هر سطح و به هر بهانه نقض برجام است.» اجرای این توافق را مورد تایید قرار دادند. روز ۲۶ دی ماه سال ۹۴ ایران رسماً اجرای تعهدات برجامی خود را آغاز کرد و در نشست مشترک آن را بیان کرد. ایران همه تعهدات برجامی خود را اجرا کرد. اما درست روز بعد از آغاز رسمی اجرای برجام، آمریکا تحریم‌های تازه‌ای علیه ایران اعمال کرد. بعد از تمدید دوباره تحریم‌های موسوم به ISA که صادر تحریم‌ها می‌شود، این گزاره پرنرنگ شد که آمریکایی‌ها قصد ندارند در مسیر عمل به تعهدات‌شان حرکت کنند. یک سال بعد از امضای برجام، رئیس بانک مرکزی وقت ایران در اجلاس بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، رسماً اعلام کرد که برجام هیچ عایدی اقتصادی برای ایران نداشته است: «تا این لحظه تقریباً هیچ چیز از برجام عاید ایران نشده است.» در این میان، در رقابت‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری آمریکا، جمله از جانب یکی از نامزدها شنیده می‌شد که در صورت انتخاب شدن به مقام ریاست‌جمهوری، از برجام خارج خواهد شد. دونالد ترامپ، بعد از وارد شدن به کاخ سفید به وعده انتخاباتی‌اش عمل کرد و در اردیبهشت سال ۹۷ رسماً از برجام خارج شد. ترامپ با اشاره به ادعای نتانیا‌هو درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران گفت: «توافق هسته‌ای با این کشور قادر به شناسایی کامل اقدامات مخفیانه تهران نیست.» حسن روحانی، رئیس‌جمهور وقت نیز در واکنش به این اقدام آمریکا گفت: «خوشحال هستم که یک موجود مزاحم از برجام خارج شد.» اما خروج این موجود به زعم حسن روحانی مزاحم باعث شد دیگر کشورهای حاضر در این توافق نیز تعهدات برجامی خود را اجرا نکنند. آمریکا تحریم‌های ثانویه را علیه ایران در دو مرحله بازگرداند و این باعث شد شرایط و فشار اقتصادی ایران ناشی از اعمال تحریم‌ها بیش از گذشته افزایش پیدا کند. شورای عالی امنیت ملی نیز در واکنش به این اقدام آمریکا، تصمیماتی برای کاهش گام به گام تعهدات فرابرجامی ایران، اتخاذ کرد. این تصمیم درنهایت با عنوان «قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صنایع تا منافع ملت ایران» به مجلس رفت و آذر سال ۹۹ به تصویب نمایندگان مجلس رسید. در ماده ۶ این قانون آمده: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است در صورت عدم اجرای کامل تعهدات کشورهای متعهد از جمله کشورهای ۴+۱ (آلمان، فرانسه، انگلستان، چین و روسیه) در قبال ایران

و عادی نشدن روابط کامل بانکی و عدم رفع کامل موانع صادراتی و فروش کامل نفت و فرآورده‌های نفتی ایران و برگشت کامل و سریع ارز منابع حاصل از فروش، دو ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون در مجلس شورای اسلامی، نظارت‌های فراتر از پادمان از جمله اجرای داوطلبانه سند (پروتکل) الحاقی را متوقف کند.» با توقف اجرای پروتکل الحاقی و نظارت‌های فریادمانی آژانس، ایران عملاً اجرای تعهدات را کاهش داد. خروج آمریکا از برجام و اجرا نشدن متن توافق توسط دیگر اعضای حاضر در برجام، این توافق را در یک حالت فریز شده قرار داد و می‌شود گفت برنامه جامع اقدام مشترک، موسوم به برجام به‌طور غیر رسمی به پایان رسید. بعد از پایان ریاست‌جمهوری ترامپ و انتخاب جو بایدن به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا وی برای شروع مذاکرات احیای برجام، تمایل نشان داد و مذاکرات آغاز شد. در ادامه این مذاکرات و در مرداد ۱۴۰۱ جوزف بولر، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، از ارائه بهترین پیشنهاد برای احیای توافق برجام خبر داد. ایران ضمن بررسی پیشنهاد اروپا پاسخش را به اروپا ارائه کرد. جوزف بولر در واکنش به آن گفت: «پاسخ ایران به پیشنهاد اروپا منطقی بود.» آمریکا اما همراه با فضاسازی رسانه‌ای و تکرار دوباره این گزاره که ایران خواسته‌های فرابرجامی دارد، با فاصله‌ای پاسخش را ارائه کرد. در میان این رفت و برگشت‌ها اما درنهایت، آمریکایی‌ها زیر میز مذاکره زدند و مذاکرات بی‌نتیجه به پایان رسید. ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ موجب شد تا غرب میز مذاکره را ترک کند. بعد از گذر از ناآرامی‌ها مذاکرات مجدداً ادامه پیدا کرد و تا امروز با وجود گمانه‌زنی‌هایی که از به نتیجه رسیدن یک توافق مطرح می‌شود، مذاکرات به نتیجه روشنی نرسیده است. حالا با توجه به نزدیک شدن اجرای بندهای غروب برجام که به ایران امکان فروش تسلیحات نظامی و افزایش حجم غنی‌سازی را می‌دهد و عملاً بندهایی است که برای ایران سود دارد، چند گزینه از جانب غربی‌ها مطرح می‌شود؛ به‌نظر می‌رسد غرب اکنون به دنبال یک توافق موقت است و حاضر نیست به برجام بازگردد. از طرفی نیز این گزاره مطرح می‌شود که آنها به دنبال طولانی کردن بندهای غروب برجام هستند و در صورت عدم تحقق این ایده‌ها به سمت فعال کردن مکانیسم ماشه خواهند رفت. در ادامه ضمن بررسی موانع حقوقی برای این امر وجود دارد، مطلوبی که ایران در مقابل طرف‌های مقابل می‌تواند در پیش بگیرد پیشنهاد شده است.

## ۸ ایراداتی که به برجام وارد است

«آیا مکانیسمی داریم که برای کشورهای مقابل الزامی ایجاد کنند تا تعهدات‌شان را انجام دهند. ما زمانی متوجه می‌شویم طرف مقابل به تعهداتش عمل نمی‌کند که همه تعهدات‌مان را عمل کرده‌ایم و آژانس هم راستی‌آزمایی کرده است. آیا مکانیسم حقوقی برای این امر وجود دارد، این سوالی بود که فواد ایزدی در جلسه شورای راهبردی روابط خارجی از ظریف پرسید. وزیر خارجه وقت ایران در پاسخ به این سوال گفت که معتقدم آمریکا چاره‌ای ندارد... و نمی‌تواند این کار را کند. آقای دکتر ایزدی، من به شما اطمینان می‌دهم؛ چرا که مبنای مقبولیتی آمریکا نبوده می‌شود. علی‌رغم این پاسخ‌های ظریف آمریکایی‌ها روی کار آمدن ترامپ از برجام خارج شد تا نشان دهد اهمیتی برای مقبولیت جهانی خود قائل نیست و ایران برای پایبند کردن کاخ‌سفید به اجرای تعهداتش حساب اشتباهی باز کرده است. خروج آمریکا از برجام نشان داد یکی از بزرگ‌ترین ایرادات برجام اجرای تعهدات ایران پیش از سایر اعضا بدون دریافت هیچ گونه تضمینی از طرف مقابل بوده است. ایراد اساسی دیگر توافق برجام وجود مکانیسم ماشه است. مکانیسمی که با هدف

ملغی کردن توافق در صورت عدم اجرای تعهدات در متن گنجانده شده اما از آنجایی که ایران پیش از همه تعهدات خود را اجرایی کرده بود استفاده از آن برای تهران بلاموضوع ارزیابی می‌شود؛ چرا که درخواست ایران به‌عنوان طرف پایبند به برجام برای عملیاتی شدن این مکانیسم باعث می‌شود صرفاً انتفاع خود از این توافق را از بین ببرد. در سوی مقابل مکانیسم ماشه این اهرم را در اختیار طرف غربی قرار می‌دهد تا به‌جای اجرای تعهدات و پایبندی به متن برجام از طریق اعمال فشار ایران را وادار به تداوم تعهدات کنند. طرف‌های غربی که تعهدات خود را انجام نداده و متقابلاً باید منتظر پاسخ ایران و کاهش تعهدات برجامی باشند از این اهرم استفاده کرده تا به تهران این ترس را القا کنند که در صورت عدم‌پایبندی به برجام آنها نیز از توافق خارج شده و ایران نمی‌تواند از مواهب بندهای غروب بهره ببرد. حال آنکه طرف‌های غربی درحال حاضر نیز با عدم لغو تحریم‌ها به‌طور غیررسمی برجام را از کارکرد انداخته‌اند. ایران اما با هوشیاری جلوی این سوءاستفاده را گرفته و با تصویب قانون اقدام راهبردی، تعهدات خود به برجام را کاهش داد تا نشان دهد طرف غربی نه از طریق ایجاد هراس بلکه صرفاً با اجرای تعهدات خود می‌تواند به تداوم پایبندی ایران به برجام امیدوار باشد. ایراد دیگری که این مکانیسم دارد این است که هریک از اعضا به تنهایی می‌تواند با بهانه‌جویی به‌سمت فعال کردن آن برود و از آنجایی که استفاده از این ابزار برای ایران منطقی نیست، این مکانیسم صرفاً چند بازیگر مستقل را در مقابل ایران قرار می‌دهد که هریک به‌تنهایی می‌تواند مسیر بهانه‌جویی را اتخاذ کرده و توافق را با چالش مواجه کند. بهانه‌جویی‌ای که می‌تواند در ظاهر نمایانگر اختلاف بین غربی‌ها بوده اما ریشه در هماهنگی‌های پنهانی آنها داشته باشد.

## ۹ چرا خروج از برجام منطقی نیست

آبان ماه سال ۹۵ حسن روحانی با تشبیه برجام به درخت سیب و گلابی، از مردم خواست برای دیدن نتایج اقتصادی توافق هسته‌ای صبر کنند تا درخت به ثمر برسد. ۸ سال از زمان انعقاد برجام و کمی کمتر از ۷ سال از زمانی که روحانی چنین توصیفی را در مورد برجام به کار برد می‌گذرد و تاریخ اثبات کرده برجام به هیچ وجه آن سیب و گلابی شیرینی که رئیس‌دولت تدبیر و امید می‌گوید نبوده است. با این وجود پیچیدن نسخه خروج از این توافق بدون در نظر گرفتن ماهیت آن اشتباه بزرگی محسوب می‌شود. توافق برجام جدای از پرداختن به تعهدات ایران، معافیتی‌هایی را نیز در نظر گرفته بود تا تهران را به اجرای توافق تشویق کند. اگرچه این معافیت‌های تحریمی هیچ‌گاه به‌درستی اجرایی نشد اما وجود آنها باعث می‌شود تا فرصت‌هایی برای ایران نیز فراهم آید. اگر به روزهای پیش از برجام بازگردیم منطقاً باید از امضا چنین توافقی جلوگیری کنیم. توافقی که مطابق آن ایران تعهدات خود را انجام داده و بعد بدون داشتن هیچ‌گونه تضمینی به انتظار اقدامات طرف مقابل بنشیند. با گذشت ۸ سال از امضای برجام اما وضعیت تا حد زیادی فرق می‌کند. در شرایطی که ایران سال‌ها به انتظار نشسته و بندهای غروب برجام درحال فرارسیدن است، اظهارنظر در مورد خروج از برجام ساده‌اندیشانه و کاملاً در راستای هدفی است که طرف غربی می‌خواهد. مهر ۱۳۹۹ (اکتبر ۲۰۲۰) یکی از بندهای غروب اجرایی و تحریم تسلیحاتی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران برداشته شد. همچنین ممنوعیت سازمان ملل برای اعطای ویزای کشورهای جهان به اشخاص حاضر در برنامه هسته‌ای، موشکی یا هر صنعت دفاعی ایران در این تاریخ به پایان رسید. مهرماه امسال نیز باید ۵ بند غروب دیگر اجرایی شود.

- ۱ برداشتن محدودیت‌های سازمان ملل در زمینه تحقیق و توسعه (R&D) و تولید موشک‌های بالستیک ایران که قابلیت حمل کلاهک اتمی دارند.
- ۲ سازمان ملل ممنوعیت واردات و صادرات فناوری مرتبط با صنایع موشکی نظیر موشک و پهپاد با برد ۳۰۰ کیلومتر (۱۸۶ مایل) یا بیشتر را برمی‌دارد.
- ۳ آمریکا طبق برجام ملزم به درخواست قانونی از کنگره (لایحه) برای پایان دادن به تحریم بخش‌های اقتصادی است که به‌عنوان بخشی از توافق هسته‌ای آن را تعلیق (Suspend) کرده بود.
- ۴ ایالات‌متحده ملزم به حذف (Remove) تحریم برخی از افراد و نهادهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران است.
- ۵ اتحادیه اروپا باید تحریم‌های باقی‌مانده خود علیه برنامه هسته‌ای ایران را بردارد.

این توقع وجود ندارد که طرف‌های اروپایی و آمریکا تعهدات خود را اجرایی کنند اما باید این امر را متذکر شد که مطابق بندهای اول و دوم محدودیت‌های سازمان ملل در زمینه تحقیق و توسعه (R&D) و تولید موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک اتمی و ممنوعیت واردات و صادرات فناوری مرتبط با صنایع موشکی نظیر موشک و پهپاد با برد ۳۰۰ کیلومتر (۱۸۶ مایل) یا بیشتر برداشته می‌شود. اگرچه تحریم‌های آمریکا و اروپا در بهره‌مندی ایران از بندهای معافیتی که سازمان ملل متعهد به اعمال آن است نیز خلل ایجاد می‌کند اما حداقل ایران می‌تواند به‌صورت علنی تعاملات خود در زمینه‌های تسلیحاتی، پهپادی و موشکی را با شرکایی که تحت تاثیر تحریم‌های غربی قرار دارند به‌طور علنی در پیش گرفته و باب بهانه‌جویی را در مقابل خود ببندد چرا که سازمان ملل چنین اجازه‌ای را صادر کرده هرچند غربی‌ها به آن خرسند نباشند. به‌طور مثال معافیت‌هایی که درسال ۹۹ اجرایی شد باعث شد تا ایران چندین قرارداد برای صادر کردن پهپادهای کوتاه‌برد با کارکردهای غیرنظامی را به امضا رسانده و ضمن نمایش پیشرفت کشور از عواید آن بهره ببرد. این دستاوردها باعث می‌شود تا طرف‌های غربی انگیزه فعال کردن مکانیسم ماشه برای جلوگیری از بهره‌مندی ایران از مواهب حداقلی را داشته باشند و این توقع وجود دارد که با گذشت ۸ سال از امضای برجام حال که موعد بهره‌مندی حداقلی از آن رسیده برخی صدها از داخل کشور در همسویی با اهداف غربی‌ها بلند نشود.

## ۹ مروری بر مسیرهای پیش‌رو

با توجه به نکات مطرح شده حال باید محتمل‌ترین گزینه‌های پیش‌روی غربی‌ها را سنجد و بهترین پاسخ ممکن از سوی ایران را به هر یک از اقدامات احتمالی طرف مقابل بررسی کرد. اولین احتمال آن است که غربی‌ها افزایش بندهای غروب را پیشنهاد دهند. این پیشنهاد با عدم معناست که ایران همچنان باید به تعهدات خود پایبند بماند اما طرف غربی کاهش تحریم‌ها را به آینده موکول می‌کند. زیرا اساساً سازوکار بندهای غروب بر همین مبناست. بندهایی که به این نام شناخته می‌شوند شامل تحریم‌هایی هستند که غربی‌ها در برجام متعهد شدند که طی برنامه زمانی مشخص و در تاریخ‌های از پیش تعیین‌شده‌ای آنها را لغو کنند یا به حالت تعلیق درآورند. این تاریخ‌ها از الی ۲۵ سال بعد از اجرای برجام را شامل می‌شدند و طبیعتاً برای اجرایی شدن نیازمند این بودند که ایران از روز اول تا روز سررسیدن موعد هر یک از بندها به‌طور کامل به تعهدات خود عمل کرده باشد. همان‌طور که از سازوکار این بندها مشخص است با گسترش آنها ایران متضرر اصلی خواهد بود زیرا که غربی‌ها می‌خواهند بدون اینکه هزینه‌ای جدیدی پرداخت کرده

باشند همچنان ایران را به تعهدات خود پایبند نگه دارند. این درحالی است که ایران پس از خروج یک‌طرفه آمریکا از برجام و عهدشکنی‌های اروپایی‌ها با تصویب قانون اقدام راهبردی سطح عمل به تعهدات برجامی خود را کاهش داد. پذیرفتن اضافه شدن بندهای غروب جدید به آن معنا است که ایران به وعده برداشته شدن تحریم‌ها در آینده، بدون اینکه امتیازی را به‌صورت نقد دریافت کرده باشد به سطح تعهدات برجامی خود برگردد. «نقد در برابر نقد» حداقل درسی است که دیپلمات‌ها، سیاستمداران و تمام مردم ما باید از برجام گرفته باشند. اما دیگر گزینه‌ای که غربی‌ها پیش‌روی خود دارند استفاده از مکانیسم ماشه و به‌نوعی کنار گذاشتن برجام به‌طور کامل است. روشن است که چنین اقدامی بسیار تنش‌زا خواهد بود و روابط بین ایران و اروپا را به شدت ملتهب خواهد کرد. دقیقاً به همین علت بعید به نظر می‌رسد که استفاده از مکانیسم ماشه گزینه انتخابی غربی‌ها باشد. مناسب‌ترین زمان ممکن برای چنین اقدامی زمانی بود که ایران درگیر آشوب‌های خیابانی بود و اپوزیسیون نیز با تلاش حداکثری خود مشغول رابزنی با دولت‌های غربی جهت افزایش فشارها به ایران بود. اما اروپایی‌ها حتی در آن زمان هم نخواستند که به استفاده از مکانیسم ماشه متوسل شوند. اما مکانیسم ماشه حتی اگر استفاده نشود نیز می‌تواند یک اهرم فشار مناسب برای طرف غربی باشد. این احتمال را که ممکن است با سخن گفتن از مکانیسم ماشه به دنبال ترساندن ایران و امتیاز گرفتن باشند نمی‌توان مردود دانست. در واقع توسل به این مکانیسم می‌تواند ابزاری برای سوق دادن ایران به سمت توافقی بدتر از برجام یا پذیرفتن گزینه اول یعنی افزایش بندهای غروب برجام باشد. اما همان‌طور که گفته شد با توجه به تجربه‌ای که از برجام و بدعهدی‌های طرف مقابل داریم تن دادن به چنین سناریویی حتماً به‌طور حتم نمی‌تواند تضمین‌کننده منافع ملی باشد. اما گزینه دیگری نیز برای غربی‌ها وجود دارد که آن ادامه شرایط فعلی است بدون آنکه جایگزینی برای برجام پیدا شود. شرایطی که هم‌اکنون در آن به سر می‌بریم و می‌توان آن را به «مرگ خاموش برجام» توصیف کرد. ادامه شرایط موجود برای هر دو طرف مزایا و معایبی دارد. ایران با توجه به قانون اقدام راهبردی توانسته است تا کمی از شرایط یک‌طرفه و نامتوازنی که بعد از خروج آمریکا از برجام وجود داشت به سمت شرایط متوازن‌تری حرکت کند. ادامه شرایط سکوت به ایران فرصت می‌دهد که آرام‌آرام مسیری را که آغاز کرده است پیش ببرد. اما از طرف دیگر ادامه شرایط تحریمی موجود حتماً برای ایران آزاردهنده است و طبعاً تهران مایل است که راهی برای کاهش تحریم‌ها پیدا کند. در طرف مقابل غربی‌ها با ادامه شرایط موجود می‌توانند امیدوار باشند که فشار تحریم‌ها مجدداً ایرانی‌ها را وادار کند تا توافقی مانند برجام را بپذیرند. اما در مقابل روندی که ایران برای کاهش تعهدات برجامی خود در پیش گرفته است قطعاً برای طرف غربی نگران‌کننده است و مایل به آن است که هرچه زودتر با ایران را به تعهدات برجامی خود برگرداند یا با توافق جدیدی فعالیت‌های ایران را محدود کند. در چنین شرایطی که به بن‌بست شباهت دارد همه چیز به این بستگی دارد که کدام طرف حاضر می‌شود تا با یک‌گام عقب‌نشینی از خواسته‌هایش این بن‌بست را بشکند. با در نظر گرفتن شرایط دو طرفه ممکن است هر لحظه این بن‌بست گشوده شود و راه برای حصول توافقی جدید-اعم از موقت یا محدود-باز شود. در این صورت ایران باید با توجه به تجربیات گران‌بهایی که از توافق سال ۹۴ دارد، دوباره خود را با توافقی که مشکلات عدیده‌ای دارد گرفتار نکند. همان‌طور که گفتیم اکتفا نکردن به هر تبدیلی به غیر از «نقد در برابر نقد» مهم‌ترین نتیجه‌ای است که از تجربیات برجام برای ما حاصل می‌شود. این تجربه به ما آموخته است-البته امیدواریم که آموخته باشد- که دیگر نباید با سراب موعدهای چندساله برای لغو تحریم‌ها زیر بار دادن امتیازهای نقد به غربی‌ها برویم. سازوکار توافق جدید به‌گونه‌ای باشد که داده و ستانده طرفین متعادل باشد و همان‌طور که در برجام طرف غربی تعهدات ایران را به دقت اندازه‌گیری می‌کرد، ایران نیز سازوکار مشخصی برای سنجش میزان عمل به تعهدات توسط غربی‌ها تعیین کرد. در چنین شرایطی ایران می‌تواند به‌صورت گام‌به‌گام توافقی را پیش ببرد و با نقد شدن ستانده مشخصی، داده مشخصی را بگذارد کند و به تعهد خاصی عمل کند. در این مدل ایران می‌تواند به محض اینکه نقض عهدی از طرف مقابل مشاهده کرد بدون معطلی و بدون اینکه نیاز به سپری شدن فرآیند زمان بر و هزینه‌بری باشد سطح تعهدات خود را کاهش دهد. یکی از ایرادات فاحش برجام این بود که ایران متعهد به نابودی یا تغییر کاربری دائم برخی تأسیسات هسته‌ای خود شده بود. تصمیمی که عملاً برگشت‌پذیر نبود یا نیاز به هزینه و زمان زیادی داشت و همین مساله باعث شده بود که ایران نتواند همزمان با عهدشکنی‌های غربی‌ها تعهدات خود را کاهش دهد. اما در توافق احتمالی جدید ایران باید تعهدات خود را بر مبنای «محدودیت» فعالیت‌های هسته‌ای-و نه نابودی آنها- تنظیم کند تا تعادلی همه‌جانبه بین داده و ستانده طرفین برقرار شود.